



شماره ثبت: ۳۱۴۸

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲.....	مرور گذشته
۲.....	فرع سوم
۲.....	جواب فرع سوم
۳.....	فرع چهارم
۳.....	خلاصه مطلب
۳.....	فرع پنجم
۴.....	فرع ششم
۴.....	فرع هفتم
۴.....	فرع هشتم
۴.....	نکته
۴.....	قاعده اول



شماره ثبت: ۳۱۴۸

مرور گذشته

روایاتی که در باب اعانة ظالم آمده است دو احتمال دارد:

۱. اعانه بر ظلم: همان قاعده اعانة بر اثم است.

۲. اعانة ظالم منظور اعانة دستگاه جائر و ظالم مسلمان است. هر کمکی به کسانی که خلافت اسلامی را غصب کردند، حرام است.

چیزی که در روایات و آیات آمده است، اعانه بر عدوان حرام است. این به عنوان قاعده اول است.

نکات مرتبط و فروع قاعده دوم را عرض می کنیم. فرع اول را دیروز عرض کردیم. این فرع این بود که این احکام شخصیه یا احکام الهیه هستند؟ عرض کردیم که این احکام الهیه هستند و منظور حکومت های جائر است.

فرع دوم این بود که آیا منظور حکومت های اسلامی یا غیر اسلامی است. در اینجا عرض کردیم اظهر حکومت های اسلامی است.

فرع سوم

فرع سوم این است که قاعده دوم (اعانة الظلمة الجائرة) اختصاص به زمان حضور دارد و روایات مربوط به زمان حضور است. زمان غیبت را شامل نمی شود.

جواب فرع سوم

درست است که بعضی از روایات ضمیر و اشاره داشتند، اما به خاطر اینکه روایات متعددی بر اعوان الظلمة اشاره می کند، یعنی موضوع این ها ضمیر و اشاره نیست بلکه موضوع مطلق است. در این گروه اطلاق وجود دارد. ممکن است بگوییم روایاتی که ضمیر و اشاره آورده اند، الغای خصوصیت دارد.

اگر کسی قائل به حکومت در عصر غیب باشد و در عصر غیبت تصدی حکومت جایز و واجب است، این الغای خصوصیت قوی است. وقتی این حکومت در زمان غیبت را بپذیریم، روایاتی که ضمیر اشاره دارند نیز الغای خصوصیت می شود.



شماره ثبت: ۳۱۴۸

فرع چهارم

مطلب چهارم این است که انصراف در حکومت دارد یا شامل باندها و گروه‌های ظالم نیز می‌شود؟

روایات اختصاص به نظام و سیستم و حکومت دارد. روایاتی که ضمیر داشتند، ظهورشان در دستگاه خلافت بود. از این روایات الغای خصوصیت به حکومت‌های زمان غیبت می‌شود. اما نمی‌توانیم به افراد و باندها و گروه‌ها الغای خصوصیت کرد.

روایاتی که ضمیر نداشتند، امکان دارد که بگوییم ظهور این روایاتی که ضمیر و اشاره ندارند، در تشکیلات و گروه‌های بزرگ هستند. بعضی دستگاه‌ها دارای تصرفات وسیعی هستند. مثلاً حزب‌الله در لبنان دولت نیست ولی تصرفات وسیعی دارند. از این قبیل در دنیا بسیار وجود دارد. یا مثلاً گروه خوارج، که تصرفات عمومی زیادی داشتند.

قطعاً این‌ها نیز مشمول این روایات می‌شوند. اما گروهی که تصدی امور و تصرفات عمومی ندارند، محل تردید دارند. درست است که قاعده اول (یعنی کمک در ظلم) را شامل می‌شود اما اینکه هیچ کمکی به آن‌ها نکنیم (قاعده دوم) بعید است.

قسمی دیگر نیز احزابی و گروه‌هایی هستند که زیرمجموعه‌ی حکومت به حساب می‌آیند، امکان دارد که قاعده دوم مشمول این ادله بشود.

خلاصه مطلب

دستگاه‌ها، گروه‌های بزرگ مثل خوارج، احزاب بزرگ که در درون حکومت‌های قرار می‌گیرند شامل قاعده دوم می‌شوند.

فرع پنجم

در این فرع، سؤال این است وقتی روایات را بر بنی‌عباس و بنی‌امیه و ... کردیم؛ آیا منظورمان خلیفه و رئیس حکومت است، یا تمام والیان و ... را نیز در برمی‌گیرد؟

ظاهر ادله خاصه، تمام مجموعه‌ی حکومت و نظام را در برمی‌گیرد. اینکه بگوییم تنها شخص رئیس و نفر اول حکومت موردنظر است، دور از ذهن است.



شماره ثبت: ۳۱۴۸

فرع ششم

اینکه بگوییم در جامعه‌ی نامشروع هیچ کاری نکنیم چون باعث شکوفایی اقتصادی می‌شویم؛ این نوع احتمال، خلافت فقه است. چیزی را که عرفاً به عنوان حکومت حساب می‌شود، مشمول این روایات است. اینکه بگوییم بخش‌های خصوصی که به نحوی سودرسانی به حکومت می‌کنند، شامل این روایت می‌شود، خیلی بعید است.

فرع هفتم

همان‌طور که عرض کردیم، تکلیف سیاسی امت اسلامی را در برابر حکومت‌های جائر مطرح کردیم. امکان دارد احکام ثانویه‌ای بیاید و اعانه به حکومت جائر را واجب یا جایز بکند. باب تقیه، ضرورت یا تدبیرهای دیگری که ممکن است کسی انجام بدهد. امام رضا (ع)، با شرایط و تمهیداتی که داشتند، ولایت‌عهدی را پذیرفتند. این همان عناوین ثانویه، اضطرار، تقیه، تدبیرهای خاصی است که به کار گرفته شده است.

فرع هشتم

انواع ظلم داریم، یک نوع ظلم بینه است، نوعی هم تصرفات عقلایی و عقلی است. مثلاً حکومت مالیات و ... می‌گیرد. این نیز یک ظلم است، زیرا چون تصدی خلافت و زعامت اجتماعی، مشروعیت ندارد، در نتیجه حق مالیات و ... گرفتن را ندارد. در نتیجه ظلم کرده است.

نکته

هیچ قاعده‌ای و ادله‌ای وجود ندارد که تمام رابطه را با هر ظالمی قطع کنیم، این روایات یا معونه ظلم که به معنای همکاری در ظلم است، را منع کرده است یا همراهی و کمک کردن به حکومت جائر را بپذیریم. این روایت را به اطلاق نمی‌توانیم بپذیریم. یا باید معونه الظلم یا معونه الظالم را بپذیریم.

قاعده اول

قاعده اول که به معنای اعانة الظلم است، مثل کسی که در خانه به همسرش ظلم می‌کند. قطعاً نمی‌توانیم کمک وی بکنیم. قاعده اعانة علی الاثم را در جلسات قبل توضیح داده بودیم. غالب نکاتی که در آنجا توضیح دادیم در اینجا جاری است.



مؤسسه اشراق و عرفان

شماره ثبت: ۳۱۴۸